

آیا ابو حامد غزالی حکومتی تشکیل داد؟!

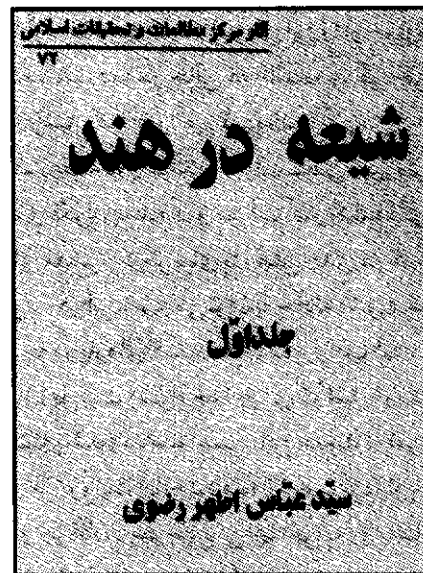
مروری بر کتاب «شیعه در هند»

منصور معتمدی

مرحوم دکتر رضوی از پژوهندگان پرمایه و بنام هند است. وی با تخصص در رشته تاریخ توانست کتب و مقالات ذی قیمتی در باب فرهنگ و تمدن اسلامی و مخصوصاً هند دوره اسلامی بنگارد. آن مرحوم، با عشق به خاندان امامت (ع) عنایت خاصی به تشیع و مهد کنونی آن ایران داشت، تا جایی که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ کتابی درباره ایران و انقلاب تألیف و در استرالیا منتشر کرد.^۱ به قرار مسموع روانشاد رضوی چندی پیش به ایران آمد و راهی زیارت هشتمین امام محبوبش شده بود که در همان مشهد قدس «رضوی» دارفانی را وداع می گوید. خدایش قرین رحمت کناد.

اثر دو جلدی تاریخ اجتماعی-فکری شیعیان اثنی عشری در هند^۲ گویا آخرین کتاب آن دانشمند فقید است. در واقع، تا آنجا که نگارنده این سطور آگاهی دارد، ترجمه این واپسین اثر دکتر رضوی، نخستین اثری است که از او به فارسی درآمده است. از این رو همّت «مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» بر ترجمه آن مایه خوشوقتی تواند بود.

مترجمان محترم این اثر عبارتند از هشت تن از فضلاء واحد ترجمه دفتر مذکور که توفیقشان را در ادامه طریق خدمات فرهنگی از خداوند خواهانیم. جای دریغ آنکه مشخص نشده است که هر یک از بزرگواران متکفل ترجمه کدام فصول بوده اند و تنها نام خانوادگی آنان در مقدمه ناشر آمده است. از این رو در



شیعه در هند، تألیف سید عباس اطهر رضوی، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی - واحد ترجمه، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۶، ۶۸۰ص، وزیری.

1. Iran: Royalty, Religion and Revolution, Canberra, 1980.
2. A Socio - Intellectual History of Isná 'Ashari shi'is in India, 2Vols. canberra, 1986.

unique history of shi'i history of thought, practice and institutions...

ترجمه: «هدف ما، مطالعه و پژوهشی است پیرامون تاریخ تفکر و عمل شیعه و نیز مؤسساتی که ویژه بررسی مذهب شیعه است...»

پیشنهاد: «وجود سلسله آثاری که مفصلاً به تاریخ منحصر به فرد افکار و اعمال و نهادهای شیعی بردارد، در این میان خالی است...»

5. Some of the influence were assuredly shi'ite, though by no means all.

ترجمه: «بعضی از این عوامل مطمئناً شیعی بوده است...»
پیشنهاد: «مطمئناً برخی از این عوامل شیعی بودند، گو اینکه به هیچ وجه همه آنها چنین نبودند.»

توضیح: مترجم محترم «though by no means all» را ترجمه نکرده اند.

6. ... and the second part deals with the Ismá'iliyyas and their Musta'ali and the Nizáori branches.

ترجمه: «... و بخش دوم در مورد اسماعیلیه و شاخه های آن (نزاریه و مستعلیه) است.»

پیشنهاد: «... و بخش دوم به اسماعیلیان و دو شاخه آن مستعلیه و نزاریه می بردارد.»

توضیح: سخن درباره کتاب هالیستر است. در تبویب این کتاب نخست مستعلیان و سپس نزاریان مورد بحث قرار گرفته است و در اشاره به آن نیز بهتر است این ترتیب رعایت شود.

7. A total indifference...

ترجمه: «بی تفاوتی عجیبی...»

پیشنهاد: «بی تفاوتی همه جانبه ای...»

8. "... to be included in the readings.

ترجمه: «... که در محاسبات گنجانده شود.»

پیشنهاد: «... که در مطالعات گنجانده شود.»

9. Some sunni authorities...

ترجمه: «بعضی از مقامات سنی...»

پیشنهاد: «بعضی از مراجع دینی سنی...»

10. ... the sectarian beliefs of some of them...

ترجمه: «... عقاید بعضی از آنها...»

پیشنهاد: «... عقاید فرقه گرایانه بعضی از ایشان...»

11. The religious and literary works...

ترجمه: «... آثار...»

پیشنهاد: «آثار دینی و ادبی...»

این نوشتار از ایشان با عنوان مترجم یاد می شود و شخص خاصی از ایشان منظور نگارنده نیست؛ بلکه سخن، ناظر بر حاصل کار این عزیزان است.

بررسی خود را در باب این ترجمه در سه بخش تقدیم می کنیم: الف) متن ترجمه، ب) ضبط اعلام (اشخاص و اماکن)، ج) کتابشناسی.

الف) متن ترجمه

دو قسمت از ترجمه را با متن اصلی مطابقت دادیم که حاصل کار را به پیشگاه خوانندگان گرامی عرضه می داریم:

۱. مقدمه کتاب از ص ۱ تا ص ۷ متن اصلی برابر با ص ۱۹ تا ص ۲۸ ترجمه.

1. Farther, the shi'a feels himself to have a closer and more personal relationship to the Divine reality through imám and his representatives among the **muj-tahids** of the community.

ترجمه: «علاوه بر این، شیعه معتقد است که از طریق امام زنده و نمایندگان او (فقهای جامع شرایط)، ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با حقایق غیبی دارد.»

پیشنهاد: «وانگهی، شیعه احساس می کند که از طریق امام زنده و نمایندگان در میان مجتهدان، ارتباط نزدیک تر و شخصی تری با حق دارد.»

توضیح: سخن از اعتقاد نیست، بلکه از احساس است. در متن فقیه جامع شرایط نیامده و دقیقاً لفظ مجتهد با حروف ایتالیک آمده است. همچنین closer صفت تفضیلی است. per-son هم بار معنایی خاصی دارد که با تنگاتنگ القاء نمی شود.

2. ... in other fields such as science of hadis or the role accorded to philosophy.

ترجمه: «... در دیگر زمینه ها، مانند علم حدیث یا فلسفه...»

پیشنهاد: «در زمینه های دیگری همچون علم الحدیث یا نقشی که برای فلسفه قائلند...»

3. We cited above...

ترجمه: «ما در کتاب خود... ذکر کردیم.»

پیشنهاد: «ما پیش از این ذکر کردیم...»

4. The desideratum is a series of works detailing the



western influences on the shi'i scientists and philosophers.

ترجمه: «نوشته حاضر تأثیرات فلسفه کلاسیک غرب را در دانشمندان و فلاسفه شیعه مورد بحث قرار می دهد.»
پیشنهاد: «اثری که پیش رو دارید، هم تأثیر عوامل معهود و هم تأثیرات جهان غرب را بر دانشمندان و فیلسوفان شیعی مورد بحث قرار می دهد.»

۲- صفحات ۳۳۵-۳۳۶ از متن اصلی، برابر با ص ۵۲۳-۵۲۴ ترجمه فارسی

19. The growing popularity of Muharram prompted the talúgú poets and musicians compile treatises and anthologies on the episodes surrounding Imám Husain's martyrdom.

ترجمه: «مردمی شدن و اشتها روزافزون شاعران و موسیقی دانان «تلوگو / telugu» را واداشت تا رساله ها و گلچین های ادبی فقره هایی پیرامون شهادت امام حسین (ع) تصنیف کنند.»

پیشنهاد: «عمومیت روزافزونی که [مراسم] محرم یافت، شاعران و قوآلان تلوگو زبان را بر آن داشت تا رساله ها و متنیخبات ادبی درباره سوانح شهادت امام حسین [ع] فراهم آوردند.»

توضیح: «محرم» از قلم مترجم محترم افتاده است. جمله بعد از «رساله ها» در ترجمه به نظر این حقیر نامفهوم است. to compile به معنای تصنیف کردن نیست و اگر هم باشد نباید آن را با گلچین ادبی به کار برد.

20. ... Dakhini poetry...

ترجمه: «... شعر و خینی ...»
پیشنهاد: «... انشاء اشعار دکنی ...»

21. ... the romance of prince saifu 'LMulk and Princess Badi'u 'Ljamal.

ترجمه: «... داستان 'سیف الملک' و شاهزاده خانم 'بدیع الجمال' ...»

پیشنهاد: «... داستان عاشقانه شاهزاده سیف الملک و شاهزاده خانم بدیع الجمال ...»
توضیح: romance را مخصوصاً در چنین زمینه ای باید داستان عاشقانه معنی کرد.

22. ... the Tútú Nama based on the persian version...

ترجمه: «طوطی نامه ... براساس نسخه فارسی ...»

12. ... the sectarian beliefs of some nobelmen.

ترجمه: «... عقاید شیعی برخی از شخصیت های برجسته ...»
پیشنهاد: «... عقاید فرقه گرایانه برخی از اعیان و اشراف ...»

13. The present work... has been reconstructed on the basis of similar stray remarkers in the contemporary and near Contemporary sources.

ترجمه: «نوشته حاضر ... براساس یک چنین اطلاعات پراکنده در منابع معاصر و کمی قبل از آن تنظیم شده است.»
پیشنهاد: «کتاب حاضر ... براساس یک چنین اظهارنظرهای جسته و گریخته ای که در منابع معاصر با دوران مورد بحث یا نزدیک به آن آمده، ساخته و پرداخته شده است.»
توضیح: مقصود از معاصر در این جمله تقارن منابع با عصر خود مؤلف نیست (چنانکه از ترجمه برمی آید)، چون اگر چنین باشد، مؤلف از ارزش کار خویش کاسته است. همچنین near در اینجا نه به معنای قبل که درست برعکس، به معنای اندکی بعد است.

14. The traditional Ghazalian tradition of polity...

ترجمه: «شیوه حکومت غزالیان ...»
پیشنهاد: «سنت بر جای مانده از غزالی در خصوص شکل حکومت ...»
توضیح: مترجم محترم Ghazalian را خاندانی حکومتی در نظر گرفته است. حال آنکه سخن مؤلف ناظر است بر نظریه ابو حامد محمد غزالی که معتقد بود پادشاه ظل الله است و این نظریه سنتی شد که بسیاری از دانشمندان اسلامی بدان قائل بودند.

15. ... ministers and administrators...

ترجمه: «... وزیران و مجریان ...»
پیشنهاد: «... وزیران و دیوانسالاران ...»

16. Modern monographs...

ترجمه: «نوشته های جدید ...»
پیشنهاد: «تک نگاشته های جدید ...»

17. For example... edited by... in two volumes...

ترجمه: «مثلاً کتاب ... تألیف ...»
پیشنهاد: «مثلاً کتاب دو جلدی ... ویراسته ...»
توضیح: مترجم محترم علاوه بر اینکه edited by را تألیف معنی کرده، in two volumes را نیز معنی نکرده است.

18. The present work discuss both classical and

۳. ص ۲۶ و ۲۷: به ترتیب، «اج. کی. شروانی» و «ك. ا. نظامی». نام شروانی، هارون خان و نام نظامی، خلیق احمد است. در نوشته های اروپایی برای رعایت اختصار حرف اول نام را می آورند، از این رو نام شروانی را به صورت H.K. و نام نظامی را به صورت K.A. می نویسند. صورت صحیح برگردان این دو شکل اختصاری به فارسی و عربی «ه.خ. شروانی» و «خ. ا. نظامی» است.

۴. در ص ۲۷ Lokhandwala را «لوخاندولا» و در ص ۲۳۹ و ۲۷۳ Gakkhar را «گاکخر» و «گکخر» و در ص ۵۷۰ Bir sng Deva را «بیر سینگ دوا» و ... آورده اند. در زبان سنسکریت و به تبع آن زبان های هندی دو حرف وجود دارند که صدایی شبیه «کبه» و «گهه» می دهند و در فارسی معادلی ندارند. از طرف دیگر، از آنجا که در زبان های اروپایی حرف «خ» و «غ» وجود ندارد، برای نشان دادن این دو حرف عربی از «kh» و «gh» استفاده می کنند و همین امر موجب اشتباه عده ای از مترجمانی می شود که به ترجمه کتاب های هندشناسی می پردازند. اگر در کلمات بالا به جای kh و gh، ك و گ بگذاریم، به تلفظ هندی نزدیک شده ایم.

۵. ص ۲۸: «اعجاز حسین کیتوری». Kintúri را باید به صورت کتوری نوشت چون «نا» مصوت کوتاه است و باید با کسره نشان داده شود.

۶. ص ۱۶۷: «ج. ولهاس» و «اُرُسلا سزین». نام مستشرق اوک و لهاوزن J. Wellhausen و دوم سزگین sezgin است.

۷. ص ۲۱۲ و ۴۹۱ و ...: اداره هند. این تعبیر را که در مقابل India office است یا باید به دیوان هند ترجمه کرد یا همان ایندیا آفیس نهاد. چراکه دیوان هند، مرکزی برای نگهداری کتب و اسناد ذی قیمت هند است و مدیریتی بر امور هند ندارد.

۸. ص ۲۳۷: «لامقان». صحیح آن لمغان Lamghán است.

۹. همان صفحه: ساچو. نام این مستشرق معروف زاخائو sachau یا ساخائو است.

۱۰. ص ۲۴۲: بهاکری. نام این مورخ، بکری یا بهکری است.

۱۱. ص ۲۴۴: ایلتوتیش. نام این پادشاه التمش^۳ است و حتی التمش هم آورده اند.

۱۲. ص ۲۴۴-۲۴۸: «راضیه». دختر التمش رضیه نام داشته است و نه راضیه.^۴

۳. نظام الدین احمد، طبقات اکبری، کلکته، ۱۹۳۱، ج ۱، ص ۶۵-۶۸.
۴. همان.

پیشنهاد: «طوطی نامه ... براساس روایت فارسی ...»

23. Ghawwasi's *Mayna-satwati* is based on Mullá Dáwúd's *chandáyan*, completed in 781/1379-80.

ترجمه: «کتاب «Mayna-satwati» غواصی براساس کتاب «چند آیین chana-satwati» ملا داوود، در سال ۷۸۱ قمری (۱۳۷۹-۱۳۸۰ م.) تکمیل شد.»

پیشنهاد: «مین-ستوتنی غواصی مبتنی است بر چند آیین ملا داوود که نگارش آن در ۷۸۱/۱۳۷۹-۸۰ خاتمه یافته بود.»
توضیح: کتاب ملا داوود در ۷۸۱ خاتمه پذیرفته و نه کار غواصی که در قرن یازدهم می زیسته است.

24. In Muhammad Quli's time he composed his *magnum opus* the *Qutb-Mushtari*.

ترجمه: «... و در زمان محمد قلی «مکنوم اپس Magnu opus» (قطب-مشتری) را تصنیف کرد.»

پیشنهاد: «در ایام حکمرانی محمد قلی شاهکارش قطب-مشتری را تصنیف کرد.»

تذکار این نکته لازم است که مترجم محترم صفحات ۶۸ تا ۷۰ از متن اصلی را که مربوط به اصل امامت است، به فارسی برگردانده اند.

اینک جای آن است که به نحوه ضبط اسامی اشخاص و اماکن و پس از آن به عناوین کتب مورد رجوع مؤلف بپردازیم. باید بگویم که آنچه در دو بخش ذیل می آید به هیچ وجه مبتنی بر استقصای تام و حتی ناقص نیست و حاصل تورق گذرای نگارنده است.

ب) ضبط اعلام (اشخاص و اماکن)

۱. نام نویسنده کتاب چنانکه از سایر آثارش برمی آید «سید اطهر عباس» است و نه سید عباس اطهر که ناشر محترم بر روی جلد و صفحه عنوان ترجمه آورده است. مرحوم رضوی برای رعایت اختصار، نام خویش را چنین می نویسد: S.A.A.Rizvi که باید در ترجمه چنین نوشت: س. ا. ع. رضوی اما در ترجمه مذکور به این امر توجه نشده است و در صفحاتی از جمله ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۳۱۵، س. ا. ا. رضوی نوشته اند. طرفه آنکه در ص ۳۴۲ و ۴۴۳ به صورت اس. ا. ا. رضوی آورده اند.

۲. ص ۲۲: «اوده»، ص ۲۵۳: «اوذ»، ص ۵۸۴: «اود». شکل درست نام این شهر اوده Awadh است.



۱۳. ص ۲۴۸: ضیاء الدین بارانی. مؤلف کتاب تاریخ فیروزشاهی را نام، ضیاء الدین برنی بوده است.
۱۴. ص ۲۵۰: خیواقی. نسبت نجم الدین کبری به خیهو است که اسم منسوب به آن خیهو می شود.
۱۵. ص ۲۵۳: «بحریج». شکل صحیح این موضع بهرایج یا بهریج است.^۵
۱۶. ص ۲۵۶: قیاس الدین. نگارنده این سطور تاکنون نام هیچ شخصیتی را ندیده و نه شنیده است که قیاس الدین باشد چراکه این تعبیر معنایی ندارد. صورت درست آن غیاث الدین است.
۱۷. ص ۲۸۰: ناظم الدین. نام مؤلف کتاب طبقات اکبری نظام الدین احمد است.
۱۸. ص ۳۰۶: «اسماعیل دوره فتوحاتش را از سن سی سالگی آغاز کرد. شعار جنگی او «الله الله» و «علی ولی الله» بود. وی در سال ۷۰۹ قمری (۱۵۰۱ م.) سلطان آقا قویونلو را در «آهوند» شکست داد و وارد تبریز شد. «سه اشتباه در این جملات وجود دارد، دو از آن مترجم عزیز و یک از آن مؤلف فقید. اولاً اسماعیل صفوی دوره فتوحاتش را از سیزده سالگی آغاز کرده است و نه سی سالگی. در متن انگلیسی کتاب هم thirteen آمده است، ثانیاً وی در سال ۹۰۷ سلطان آق قویونلو را شکست داد و نه در ۷۰۹. لغزش سوم را می توان در این جمله کتاب (ص ۱۸۸) دید: «In 907/1501 he routed the Aq Quyúnlu» دو خطا در این قول مؤلف مرحوم به چشم می خورد که بر مترجم محترم بود با رجوع به منابع تاریخی آنها را حداقل در پاورقی توضیح دهد. چنانکه می دانیم شاه اسماعیل در ۹۰۷ «الوند میرزا»، یازدهمین حکمران آق قویونلو را نزدیک نخجوان شکست داد که دومین جنگ بزرگ اسماعیل صفوی به شمار می رود و به جنگ شرور هم معروف است. شاه اسماعیل پس از پیروزی بر الوند وارد تبریز شد.^۶ با توجه به این توضیح، گویا Ahwand همان الوند باشد که به جای «A»، سهواً «h» آمده است و با این احوال حرف اضافه at نیز ظاهر آزند است.
۱۹. ص ۳۱۱: «شتاریه». نام این سلسله معروف شطاریه است.^۷
۲۰. ص ۳۲۰: قنوج. درست آن قنوج است.
۲۱. ص ۳۲۹-۳۳۰: به کرات نام «شیخ قدایی» آمده است. صورت درست آن شیخ گدایی است.^۸
۲۲. ص ۳۳۰: در بند دوم «شیخ قدایی کاهبو» و در بند سوم «شیخ حمید بن فضل الله» و پس از آن «درویش جمالی گمبو

دهلوی» آورده اند. شاعر و تذکره نویس نسبتاً معروفی در هند هست به نام «شیخ حامد بن فضل الله جمالی کنبوه (یا کنبوی) دهلوی». ^۹ شیخ گدایی فرزند جمالی است و لذا او نیز شیخ گدایی کنبوه دهلوی است.

۲۳. ص ۳۳۲: محمد قوس. نام این شیخ شطاری محمد غوث است. ضمناً در همین صفحه شهر محل انزوای محمد غوث را گوالپور نوشته اند که گوالیار صحیح است.^{۱۰}
۲۴. ص ۳۶۶، ۳۳۷: «تته» و اسم منسوب به آن را «تتاری» نوشته اند. شکل صحیح نام این شهر مطابق کتب تاریخی و جغرافیایی هند «تته» یا «تتهه» و اسم منسوب به آن را معمولاً «تتوی» می آورند.
۲۵. ص ۴۲۴: «شاه سبقت الله». شکل صحیح آن صیغه الله است.
۲۶. ص ۴۶۴: «سید علی اصغر پیل گرامی آسف جاهی». سید علی اصغر بلگرامی آصف جاهی درست است.
۲۷. ص ۵۰۶: «صورت surat». نام شهری است در هند و باید با «س» و به شکل صورت ضبط شود.
۲۸. ص ۵۲۲: «تاورنیر» و «برنیر». نام دو تن از سیاحان فرانسوی است. این دو را باید به صورت تاورنیه و برنیه نوشت.
۲۹. ص ۵۲۶: «ملا وجهی [ظاهراً باید ملاوجه باشد]». اظهار تردید مترجم محترم در گروهه درست نیست و همان وجهی درست است.^{۱۱}
۳۰. ص ۵۴۴: «فایزی». نام شاعر سده دهم و یازدهم هند فیضی است.

۵. جهانگیرنامه (توزک جهانگیری)، تصحیح محمد هاشم، تهران، ۱۳۵۹، فهرست ص ۴۱۶.

۶. ر.ک: حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، تصحیح دکتر نوایی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۸۰-۸۶.

7. Trimmingham, J.S., *The sufi Orders in Islam*, Oxford University Press, 1973, p.330.

۸. برای اطلاع از شرح حال او، ر.ک: جمالی دهلوی، مثنوی مهر و ماه، تصحیح سید حسام الدین راشدی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۳، ص ۴۵-۶۳.

۹. برای کسب آگاهی از احوال جمالی علاوه بر مقدمه کتاب پیشگفته، رجوع شود به: سیر العارفين، دهلی، ۱۳۱۱ و نیز مثنوی مرآة المعانی، به تصحیح دکتر نصرالله پور جوادی، مجله معارف، فروردین-آبان ۱۳۷۳.

۱۰. عبدالقادر بدایونی، منتخب التواریخ، ۱۸۶۸، ج ۳، ص ۲۶۰.

۱۱. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر باحقی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۲۵.

مآثر الامراء است.

اصولاً در بیشتر مواردی که یک جزء عنوان کتاب مورد رجوع، مآثر بوده است، در برگردان فارسی لغزشی دیده می‌شود و علت آن نیز بجز ناهماهنگی میان مترجمان و نیز بی‌بهره بودن از ویراستاری قوی، این بوده که آوانگاری مآثر در متن انگلیسی به صورت Ma'ásir آمده است و اینجا نیز مترجمان محترم مصوت کوتاه «i» را بلند در نظر گرفته‌اند.

۳. در صفحه ۲۵ آمده: «نوشته حاضر (تاریخ اجتماعی-فکری شیعه در هند...». این عنوان را در اشاره به کتابی به کار برده‌اند که در دست ترجمه داشته‌اند و بر روی جلد و صفحه عنوان، نام آن را شیعه در هند آورده‌اند. اصولاً نوعی ناهماهنگی در ضبط عناوین کتب در سراسر ترجمه به چشم می‌خورد و چنین می‌نمایاند که هیچ چشم تنظیم‌گری به مسوده این کتاب نگریسته است. برای نمونه عنوان سه کتاب از مؤلف را (که یکی همین کتاب ترجمه شده است) چنین ضبط کرده‌اند:

مورد اول

ص ۲۵: تاریخ اجتماعی-فکری شیعه در هند

ص ۲۵۲، ۳۰۶: تاریخ شیعه اثنی عشری

ص ۲۵۳: شیعه اثنی عشری

ص ۵۰۴: تاریخ شیعه

باز تأکید می‌کنیم که این ناهماهنگی در ضبط عنوان خود کتاب ترجمه شده، پیش آمده است.

مورد دوم

مؤلف را کتابی^{۱۵} است تحت عنوان **A History of sufism in India** که برگردانندگان محترم از این اثر با این عنوان یاد کرده‌اند:

ص ۲۴۷، ۲۶۲ و ...: تاریخ تصوف در هند

ص ۲۵۲، ۳۹۶: تاریخ صوفیگری در هند

ص ۳۱۰: تاریخ تصوف در هندوستان

ص ۴۳۴: تاریخی از صوفیه در هند

ص ۵۱۰: تاریخ صوفیه در هند

۱۲. بجا بود اگر ناشر محترم با استفسار از استاد دکتر فتح الله مجتبیایی، دوست آن مرحوم و دکتر محمد سلیم اختر شاگرد و همکار آن فقید زندگینامه مختصری از ایشان را در ابتدای کتاب ترتیب می‌دادند.

۱۳. هالیستر، ج. ن. تفسیر در هند، ترجمه خانم دکتر آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، ۱۳۷۳.

۱۴. تفسیر در مسیر تاریخ، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، تهران، ۱۳۵۹.

۱۵. ترجمه این اثر را راقم این سطور انجام داده است و ان شاء الله توسط «مرکز نشر دانشگاهی» منتشر خواهد شد.

۳۱. ص ۶۴۶: «بدیل». شکل صحیح آن «بیدل» است.

۳۲. همان صفحه: «ترشیدی». ترشیزی درست است.

۳۳. همان صفحه: «فوصی شتاری». غوثی شطاری درست است.

۳۴. ص ۶۵۳: «محمد کاظم آثار»، «سلطان ولاد». نام اول

همان سید محمد کاظم عصار، از حکمای متأخر ایران است و دوم هم «سلطان ولد» معروف.

ج) کتابشناسی

از نخستین مطالبی که معمولاً خواننده کتب ترجمه شده، می‌خواهد بداند، عنوان اصلی کتاب و سال و محل انتشار آن است و این امر تنها از سر کنجکاو نیست، بلکه با وقوف بر این اطلاعات از تازگی و کهنگی نظرات طرح شده در اثری که مقابل دیدگان دارد، آگاهی می‌یابد. متأسفانه در ترجمه مورد بحث در کادر فهرست نویسی یا قسمت شناسنامه کتاب یا مقدمه و سخن ناشر، اطلاعاتی در این باره ارائه نشده است. حتی درباره مؤلف نیز تنها به اینکه وی «یکی از محققان هندی ایرانی تبار» است، بسنده کرده‌اند.^{۱۲}

و اینک به مواردی که طی تصفح کتاب فرادید آمد، می‌پردازیم:

۱. در صفحه ۲۱، از کتاب هولیستر سخن رفته است اما به ترجمه فارسی این اثر که چندی پیش انتشار یافته^{۱۳}، اشاره نشده است. هر جا که مؤلف به منابعی ارجاع دهد که ترجمه یا تصحیح معتبری از آن منابع در زبان مقصد موجود باشد، بر مترجم است که دست کم نامی از آن ترجمه یا تصحیح ببرد تا اگر خواننده نیاز به کسب اطلاع بیشتری داشت بتواند به آن رجوع کند. اما مترجمان محترم شیعه در هند به این امر اهتمامی نورزیده‌اند. از باب نمونه، در صفحه ۱۰۲ از کتاب سید حسین محمد جعفری به این صورت «رشد و گسترش اولیه اسلام شیعی» نام برده شده، ولی به ترجمه فارسی آن^{۱۴} اشاره نشده است. همچنین در صفحه ۲۹۹ که از توزوک جهانگیری طبع علیگره استفاده شده، هیچ ذکری از طبع سهل الوصولتر تهران، از همین اثر، به میان نیامده است.

۲. در صفحه ۲۴، «تأثیر الامراء» و در ص ۳۴۰ و ۳۹۴

«مآثر الامراء» و در ص ۶۴۸ «معاشر الامراء» آورده‌اند. این کتاب از آن مصمصام الدوله شاهنواز خان است و شکل صحیح آن



مورد سوم

مرحوم رضوی کتاب دیگری با عنوان **Religious and Intellectual History of the Muslims in Akbar's Reign**

تألیف کرده اند که در ترجمه با این عناوین به آن اشاره شده است:
ص ۳۴۲: تاریخ مذهبی و فکری مسلمین در سلطنت اکبر
ص ۳۵۱ و ۳۵۴: تاریخ مذهبی و فکری مسلمین در عهد سلطنت اکبر
ص ۳۶۱: تاریخ فرهنگی و مذهبی مسلمانان در حکومت اکبر

ص ۳۷۰: تاریخ مذهبی و فرهنگی مسلمانان در خلال سلطنت اکبر

البته نگارنده این سطور معتقد است که برای تسهیل کار خواننده خواهان اطلاعات بیشتر، نباید مآخذ مورد ارجاع مؤلف را ترجمه کرد؛ بلکه عین عنوان یا (برای رعایت اختصار) نام مؤلف را باید ذکر کرد. در صورتی می توان به ترجمه عناوین کتب دست زد که ترجمه عنوان اثر را تا پایان کار، بی کم و زیاد، نقل کند تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

۴. در صفحه های ۵۰، ۱۰۳، ۱۰۸ و ... عباراتی از کشف المحجوب نقل شده که مؤلف آنها را مستقیماً از ترجمه انگلیسی نیکلسون آورده است. مترجم محترم بدون رجوع به متن فارسی به ترجمه جملات انگلیسی پرداخته اند و در واقع ترجمه اندر ترجمه شده است که آشنایان به کار ترجمه می دانند تا چه حد با این عمل، مفهوم اصلی از کف می رود. همین امر در مورد نقل قول از کتبی مانند تاریخ فرشته و اکبرنامه و منتخب التواریخ و ... نیز صدق می کند. اگر در برگردان فارسی، آنجا که مؤلف مستقیماً از متون فارسی نقل قول می کند، عین عبارات را از این منابع بیاوریم، نه تنها بر دقت و اعتبار ترجمه خود افزوده ایم، بلکه ترجمه خود را زیبا و چشم نواز کرده ایم. ضرورت انجام این کار در جاهایی بیشتر احساس می شود که مترجم بخواهد مثلاً ماده تاریخ وفات کسی را به فارسی برگرداند.

در صفحه ۳۵۲ از ترجمه چنین آمده است: «شاعری ماده تاریخ مرگ [خواجه شاه منصور] را این گونه بیان کرده است: آن روز که مواخذه و حسابرسی سست شد، سررشته حسابداری هم از کف رفت.» اگر مترجم محترم به منبع مورد ارجاع مؤلف^{۱۶} توجه می فرمودند این جمله (و نه بیت) را در آن می یافتند: «از آن روز بازار حساب سرد شد و سررشته محاسبه از دست رفت.» که ارزش عددی حروف این دو جمله بیش از ۳۵۰۰ می شود و حال آنکه، خواجه شاه منصور در ۹۸۹ کشته

شده است. پس اصولاً ماده تاریخی در کار نبوده است.
۴. ص ۶۴: جوامع الکلام. عنوان صحیح کتاب گیسو دراز جوامع الکلم است.

۵. ص ۲۷۹: راج ترنجینی. کتاب هایی در مورد تاریخ کشمیر وجود دارد که عنوان آنها راج-ترنجینی است. یکی از آنها را کلهن تألیف کرده و ترجمه فارسی آن نیز حدود دو دهه پیش چاپ شده است.^{۱۷}

۶. ص ۳۲۹: «آینه اکبری». نام صحیح کتاب علامی آیین اکبری است.

۷. ص ۳۱۱: «واقعیات مشتاقی». عنوان درست کتاب رزق الله مشتاقی واقعات-مشتاقی است.

۸. ص ۳۳۴: «نفائس المعاصر». شکل صحیح آن نفائس المآثر است.

۹. ص ۳۳۶: «تذکره الوقیعات». صورت درست آن تذکره الواقعات است.

۱۰. ص ۳۳۷، ۳۴۷: «داستان مذاهب». عنوان درست آن دبستان مذاهب است.

۱۱. ص ۴۳۴: «مکاتیب فرمان صفویه». صحیح آن چنانکه در صفحه ۲۷۵ متن اصلی آمده مکاتیب زمانه صفویه است.

۱۲. ص ۵۲۴: «شبهای عربی». اروپاییان به هزار و یک شب یا الف لیله و لیله، *Arabin nights* گویند که در ترجمه فارسی باید یکی از دو عنوان مذکور را گذاشت.

۱۳. ص ۶۲۹: «اختلاف الناقب». نام کتاب سبحان علی خان اختلاف المناقب است.

۱۴. ص ۶۳۱: «البواریق المشرقه». عنوان صحیح آن بواریق مشرقه است.

.*

آنچه آوردیم مواردی معدود از یادداشت هایی بود که طی نگاهی گذرا فراهم آمد و انگیزه تحریر و ارائه آن نیز دعوت مترجمان محترم به دقت بیشتر بود. از آنجا که دیر یا زود جلد دوم این ترجمه نیز به طبع و نشر خواهد رسید، امید واثق دارد که مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی در راه اعمال دقت و صحت در آن، نهایت سعی را مبذول فرماید. ان شاء الله تعالی.

○

۱۶. ابوالفضل علامی، اکبرنامه، ج ۲، کلکته، ۱۸۸۶، ص ۳۴۴.

۱۷. ترجمه فارسی از ملا شاه محمد شاه آبادی، تصحیح دکتر صابر آفاقی، راولپنڈی، ۱۳۵۳.